

بررسی کارآیی مدل ماهی بزرگ در ظرف کوچک: مقایسه اضطراب امتحان، خودپنداره تحصیلی و خودپنداره اجتماعی دانشجویان استعداد درخشان و عادی

دکتر امیر قمرانی^۱

استادیار روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

احمدیار محمدیان

استادیار روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

مریم صمدی

دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

عبدالحسین شمسی

دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

مریم احمدزاده

دانشجو کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی کارایی مدل ماهی بزرگ در ظرف کوچک (BFLPE) از طریق مقایسه اضطراب امتحان، خودپنداره تحصیلی و خودپنداره اجتماعی دانشجویان استعداد درخشان و عادی بود. به منظور دستیابی به هدف فوق، ۷۰ نفر از دانشجویان دانشگاه اصفهان در مقطع کارشناسی و در دو گروه استعداد درخشان و عادی با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. سپس با استفاده از پرسشنامه‌های اضطراب امتحان و خودپنداره تحصیلی و اجتماعی مورد مقایسه قرار گرفتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که دانشجویان استعداد درخشان نسبت به گروه عادی از اضطراب امتحان کمتر و خودپنداره تحصیلی مثبتی برخوردار بودند و خودپنداره اجتماعی در دانشجویان عادی بالاتر از دانشجویان استعداد درخشان گزارش شد. با توجه به نتایج پژوهش به نظر می‌رسد که دانشجویان با سطح توانایی بالا با قرار گرفتن در یک محیط آموزشی عادی ارزیابی متفاوت و مثبت‌تری از خود دارند که گویای کارآیی مدل ماهی بزرگ در ظرف کوچک و تأثیر محیط آموزشی بر برخی مؤلفه‌های روانشناختی از جمله خودپنداره و اضطراب امتحان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: مدل ماهی بزرگ در ظرف کوچک (BFLPE)، اضطراب امتحان، خودپنداره تحصیلی، خودپنداره اجتماعی.

یکی از سازه‌های شناختی و شخصیتی خودپنداره افراد است که نوع‌گزینش آن‌ها را به موقعیت تعیین می‌کند. خودپنداره یک طرحواره چندبعدی است که در آن تمام اطلاعات مربوط به خود جای گرفته است. خودپنداره که بر مقایسه شرایط و توانایی‌های فرد با دیگران مبتنی است، بر پیشرفت‌گرایی شخصی متمرکز است و نفع فردی را دنبال می‌کند (جانکمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۲). جامعه‌شناسان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت مدت‌هاست که ارتباط بین خودپنداره مثبت و عملکرد تحصیلی به مثابه پیوندی مهم و هم سطح با ارزیابی عملکرد تحصیلی در نظر گرفته‌اند (کروثی، ۱۳۸۲). تحقیقات تا به امروز حاکی از آن می‌باشند که خودپنداره تحصیلی و پیشرفت تحصیلی به میزان زیادی به هم وابسته‌اند. در این راستا تحقیقات زیادی در رابطه با شکل‌گیری خودپنداره تحصیلی صورت گرفته که حجم زیادی از آن بر مقایسه اجتماعی و چارچوب مرجعی معلم^۲ انجام شده است (مارش، تراوتوین، لاتک، بامرت و کولر^۳، ۲۰۰۷؛ ناگی و همکاران^۴، ۲۰۰۸). دانش‌آموزان اغلب اوقات خود را در مدرسه می‌گذرانند که در آن بیشتر بر مقایسه با همسالان تأکید می‌شود، لذا می‌توان گفت سطح عملکرد و بافت محیط آموزشی یک عامل مهم در شکل‌گیری خودپنداره تحصیلی و خودپنداره کلی است. همچنین جلیوند و اژه‌ای (۱۳۷۴) و حق‌شناس، چمنی و فیروزآبادی (۱۳۸۵) در پژوهش‌های خود نشان دادند که محیط آموزشی می‌تواند ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی را مستقل از هوش ایجاد کند.

بر اساس مدل چارچوب مرجعی معلم خودپنداره تحصیلی طی فرآیند مقایسه اجتماعی شکل می‌گیرد. بنابراین معلمانی که از یک ارجاع اجتماعی استفاده می‌کنند، عملکرد یک دانش‌آموز را با عملکرد سایر دانش‌آموزان مقایسه می‌کنند. درحالی‌که آن گروه از معلمانی که ارجاع فردی را مورد استفاده قرار می‌دهند، عملکرد یک دانش‌آموز را نسبت به خودش مقایسه می‌کنند. ویژگی اصلی یک چارچوب ارجاع فردی هنگام ارزیابی موفقیت‌های دانش‌آموزان تأکید بر پیشرفت درون‌فردی است. اعتقاد بر این است که چنین روشی تأثیر منفی مقایسه‌های اجتماعی را برای دانش‌آموزان با موفقیت کم، کاهش می‌دهد و بنابراین خودپنداره، انگیزه و موفقیت دانش‌آموزان را افزایش می‌دهد (لودتکی، کورل، مارش و تراوتوین^۵، ۲۰۰۵).

نظریه "تأثیر قرار گرفتن ماهی بزرگ در استخر کوچک"^۶ (BFLPE) یکی از نظریات مهمی است که به نقش مدرسه و چارچوب مرجعی معلم در شکل‌گیری خودپنداره تحصیلی تأکید می‌کنند. BFLPE ریشه در نظریه مقایسه اجتماعی (فستینگر^۷، ۱۹۵۴) دارد که دارای تاریخچه‌ای طولانی در روانشناسی اجتماعی است. اثر BFLPE توسط مارش و پارکر (۱۹۸۴) مطرح شد و بیان می‌کند که دانش‌آموزان از یک مرجع یا گروه برای شکل دادن به خودپنداره خود استفاده می‌کنند. به عبارتی دیگر در این مدل فرض بر آن است که فرد توانایی تحصیلی خود را با توانایی تحصیلی دانش‌آموزان دیگر مقایسه می‌کنند و این مقایسه مبنایی برای تشکیل خودپنداره تحصیلی است (نقل از لودتکی و همکاران، ۲۰۰۵). بدین صورت که دانش‌آموزان با سطح توانایی بالا وقتی در مدارس با توانایی بالا قرار می‌گیرند، خودپنداره تحصیلی پایین‌تری دارند، نسبت به زمانی که در مدارس با توانایی پایین قرار می‌گیرند، به زبان ساده‌تر مانند کسی که خود را به‌عنوان یک ماهی کوچک نسبت به سایر ماهی‌ها در یک ظرف بزرگ می‌بیند.

نتایج پژوهشی جروسلم^۸ (۱۹۸۴) در آلمان مبین آن است که دانش‌آموزان مدارس گزینشی (که فرایند پذیرش دانش‌آموزان خود را بر اساس پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز قرار داده بودند)، در مقایسه با دانش‌آموزان مدارس غیر گزینشی (که ملاک مشخصی برای پذیرش ندارند) موفقیت‌های تحصیلی بسیار پایین‌تری را داشتند (به نقل از مارش و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین مارش، کونگ

^۱. Jonkmann

^۲ - Teacher Frame Of Reference (TFR)

^۳. Marsh, Trautwein, Ludtke, Baumert, & Koller

^۴. Nagy

^۵. Ludtke, Koller, Marsh, & Trautwein

^۶. Big Fish in Little Pond (BFLPE)

^۷. Festinger

^۸. Jerusalem

و هائو^۱ (۲۰۰۰) در پژوهشی در کشور هنگ کنگ نشان دادند که جداسازی دانش‌آموزان و گماردن آنها در مدارس گزینشی بر خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرات منفی داشته است. این نتایج با پژوهش زیدنر و اسکالر^۲ (۱۹۹۸) همسو و هماهنگ است. تحقیقات انجام شده (کرامپن^۳، ۱۹۸۸؛ میسکو و رهینبرگ^۴، ۱۹۹۵) شواهد اضافی برای این پیشنهاد فراهم کرده‌اند که یک TFR فردی نه تنها خودانگاره دانش‌آموز را افزایش می‌دهد، بلکه تأثیرات مثبتی بر انگیزش، عزت‌نفس و تا حدودی موفقیت افراد دارد. یافته‌های این بررسی‌ها به‌وضوح نشان داد که معلمان دارای یک ارجاع فردی تأثیرات مثبتی بر انگیزش و موفقیت دارند. در حالی که معلمان دارای ارجاع اجتماعی تأثیر منفی بر انگیزه دانش‌آموزان دارند (لودتکی و همکاران، ۲۰۰۵). علاوه بر بررسی BFLPE در قلمرو آموزشی و خودپنداره تحصیلی سایر محققان BFLPE را در زمینه‌هایی مانند هنر و ورزش نیز ارزیابی کرده‌اند (یاندی و رین^۵، ۲۰۰۸).

کنل، مارش، سارازین و بایس^۶ (۲۰۰۵) خودپنداره ورزشکاران ژیمناستیک را در ۴۰۵ شرکت‌کننده در ۲۰ کلاس ژیمناستیک بررسی کردند. آنها دریافتند که خودپنداره ورزشکاران رابطه منفی با متوسط عملکرد کلاس دارد و این رابطه منفی در طول ۱۰ هفته برنامه ژیمناستیک بیشتر شد. علاوه بر این تحقیقاتی در رابطه با اثر BFLPE بر روی سازه‌هایی چون خودشیفتگی، سازگاری، وظیفه‌شناسی، برونگرایی، روان‌رنجوری، صداقت (جانکمن، بیکر، مارش، لاتک و ترایتوین^۷، ۲۰۱۲)، اضطراب امتحان (زیدنر و اسکالر^۸، ۱۹۹۸) نیز صورت گرفته است.

از آنجا که خودپنداره مثبت به‌عنوان یک عامل مهم در بسیاری از عملکردهای انسان است و ارتقاء آن به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف مؤسسات آموزشی در سراسر جهان در نظر گرفته شده است، لذا این موضوع که دانش‌آموزان عادی (هوشبهر نرمال) در کلاس‌ها و مدارس با توانایی‌های بالا نسبت به هم‌تایان خود در کلاس‌ها و مدارس مختلط با انواع توانایی‌ها، خودپنداره‌های تحصیلی پایین‌تر و ضعیف‌تری دارند، موجب نگرانی است. واضح است که بررسی در مورد BFLPE پیامدها و کاربردهای مهمی را برای بهبود و اصلاح تجرب آموزش دانش‌آموزانی که در مدارس و کلاس‌های برجسته و گزینشی تحصیل می‌کنند خواهد داشت. واقعیت این است که مردم در جامعه زندگی می‌کنند و به‌طور بالقوه مقایسه اجتماعی صورت می‌گیرد، لذا "BFLPE" همه جا مطرح می‌شود، در هر جایی که مقایسه با بالادست باشد مانند حضور در مدارس گزینشی، کلاس‌ها یا مدرسه‌های تیزهوش، برنامه‌های تسریع یا گنجاندن کامل کودکان دارای نیازهای خاص، که به گفته مارش، هائو و گراون^۹ (۲۰۰۴) همگی نتایج منفی را بر خودپنداره‌های تحصیلی دانش‌آموزان دارد. همچنین دیویس^{۱۰} (۱۹۶۶) دلایلی را برای تأثیر چارچوب ارجاع مشابه برای دانشجویان دانشگاهی ارائه می‌دهد و بنابراین "BFLPE" حتی می‌تواند در سطح دانشگاه هم وجود داشته باشد. به‌عبارت دیگر افراد در این سطح تحصیلی نه تنها چارچوب محدود به دانشگاه را برای مقایسه در نظر می‌گیرند؛ بلکه قادرند در سطح وسیع‌تری چارچوب ارجاعی را بر اساس عملکرد سایر دانشگاه‌های دیگر در نظر بگیرند (نقل از زیدنر و اسکنیر، ۱۹۹۸). مارش و همکاران (۲۰۰۷) و ناگی و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که خودپنداره تحصیلی تنها به خاطر اثراتش بر سلامت روان مهم نیست، بلکه خاصیت انگیزشی نیز دارد. خودپنداره تحصیلی آرمان‌های تحصیلی، علایق علمی، انتخاب رشته و موفقیت در طول زمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پس توجه به این امر حائز اهمیت زیادی می‌باشد. با توجه به مطالب فوق، هدف پژوهش حاضر بررسی کارایی مدل BFLPE در مقایسه اضطراب امتحان، خودپنداره تحصیلی، خودپنداره اجتماعی دانشجویان دانشگاه اصفهان می‌باشد. در واقع پژوهش حاضر در

^۱. Marsh, Kong, & Hau

^۲. Zeidner, & Schleyer

^۳. Krampen

^۴. Mischo & Rheinberg

^۵. Yun Dai, & Rinn

^۶. Chanal, Marsh, Sarrazin, & Bois

^۷. Jonkmann, Becker, Marsh, Ludtke, & Trautwein

^۸. Zeidner, & Schleyer

^۹. Marsh, Hau, & Craven

^{۱۰}. Davis

بی آن است که تعیین کند؛ دانشجویانی که چارچوب مرجعی پایین‌تر از سطح توانایی خودشان را برای مقایسه در نظر می‌گیرند (استعداد درخشان)، چگونه خود پنداره اجتماعی، تحصیلی و اضطراب امتحان خود را ارزیابی می‌کنند.

روش

نمونه تحقیق حاضر شامل ۷۰ دانشجو از دانشگاه اصفهان می‌باشد که شامل دو گروه استعداد درخشان و عادی مقطع کارشناسی ورودی سال‌های ۹۰ و ۹۱ بودند و به شیوه‌ای هدفمند انتخاب شدند. گروه استعداد درخشان دانشجویان رتبه‌های برتر کنکور سراسری بودند که اسامی‌شان از طریق سازمان سنجش اعلام شده بود. گروه عادی دانشجویانی بودند که عنوان استعداد درخشان نگرفته بودند و از نظر سن، جنس، معدل و رشته تحصیلی هم‌تا با دانشجویان استعداد درخشان انتخاب شدند تا امکان مقایسه این دو گروه وجود داشته باشد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه اضطراب امتحان^۱: پرسشنامه اضطراب امتحان مشتمل بر ۲۵ ماده است که آزمودنی بر اساس یک مقیاس چهار گزینه‌ای (هرگز=۰، به‌ندرت=۱، گاهی اوقات=۲ و اغلب اوقات=۳) به آن پاسخ می‌گوید. حداقل نمره در این آزمون صفر و حداکثر ۷۵ است. هر چه فرد نمره بالاتری کسب کند، نشان‌دهنده اضطراب بیشتری است. برای سنجش همسانی درونی TAI از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. براساس نتایج حاصله ضرایب آلفا برای کل نمونه، آزمودنی‌های دختر و آزمودنی‌های پسر به ترتیب (۰/۹۴، ۰/۹۵، ۰/۹۲) می‌باشد. همچنین برای سنجش روایی مقیاس TAI، این آزمون مجدداً پس از چهار هفته تا شش هفته به ۹۰ آزمودنی در پسر و ۹۰ آزمودنی دختر که در مراحل اول شرکت داشتند، داده شد. ضرایب همبستگی بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت یعنی آزمون و آزمون مجدد برای کل آزمودنی‌ها، آزمودنی‌های دختر و آزمودنی‌های پسر به ترتیب (۰/۷۷، $r=0/88$) و (۰/۶۷، $r=0/77$) می‌باشد که رضایت‌بخش است (ابوالقاسمی، اسدی‌مقدم، نجاریان و شکرکن، ۱۳۷۵).

مقیاس خودپنداره (پیریت و منداگلیو^۲)

در این تحقیق، برای سنجش خودپنداره و ابعاد آن از پرسشنامه پیریت و منداگلیو (۱۹۹۵) تحت عنوان "PMSPS" استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۴ سؤال است. در مورد مفهوم خودپنداره دارای دیدگاهی چندبعدی بوده و خودپنداره افراد را در چهار بعد تحصیلی، ورزشی، اجتماعی و ارزشی می‌سنجد. هر سؤال چهار گزینه دارد (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) که نمره ای از یک تا چهار به آن تعلق می‌گیرد. پایایی این پرسشنامه به وسیله البرزی و سامانی (۱۳۷۸) با استفاده از دو روش، بررسی شده است. برای بررسی همسانی درونی این پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده و ۰/۸۷ گزارش گردید. به‌منظور بررسی ثبات آن نیز از روش بازآزمایی استفاده شد که ضریب پایایی ۰/۸۷ به‌دست آمد (البرزی و سامانی، ۱۳۸۷). این محققان، همچنین به‌منظور بررسی روایی پرسشنامه از روایی محتوا استفاده کردند؛ بدین‌منظور پرسشنامه را در اختیار چند تن از صاحب‌نظران قرار دادند و از نظرات آنان استفاده کردند. در پژوهش حاضر از خرده مقیاس‌های خودپنداره اجتماعی و تحصیلی استفاده گردید.

یافته‌ها

سن دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این پژوهش بین ۱۸ تا ۲۱ سال بود که ۳۶ نفر ۱۸ سال (۵۱/۴ درصد)، ۲۲ نفر ۱۹ سال (۳۱/۴ درصد)، ۱۱ نفر ۲۰ سال (۱۵/۷ درصد) و ۱ نفر ۲۱ سال (۱/۴ درصد) سن داشتند. در این بین ۱۹ نفر (۲۷/۱ درصد) مرد و ۵۱ نفر (۷۲/۹ درصد) زن بودند. همچنین ۳۵ نفر (۵۰ درصد) دانشجوی استعداد درخشان و ۳۵ نفر (۵۰ درصد) دانشجوی عادی بودند که میانگین معدل گروه استعداد ۱۸/۲۲ و دانشجویان عادی ۱۸/۰۴ بود. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه

گروه	متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار
عادی	اضطراب امتحان	۳۵	۳۶/۸۸	۸/۶۹

^۱. Test Anxiety Inventory (TAI)

^۲. Pyryt and Mandaglio Self Perceived Survey

۳/۹۹	۲۷/۲	۳۵	خودپنداره تحصیلی	
۲/۳۷	۲۸/۳۷	۳۵	خودپنداره اجتماعی	
۶/۸۲	۸/۳۱	۳۵	اضطراب امتحان	استعداد درخشان
۳/۱۳	۳۴/۸۵	۳۵	خودپنداره تحصیلی	
۴/۹	۲۸/۲۸	۳۵	خودپنداره اجتماعی	

همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین و انحراف استاندارد برای متغیر اضطراب امتحان در گروه عادی به ترتیب ۳۶/۸۸ و ۸/۶۹، و در گروه استعداد ۸/۳۱ و ۶/۸۲، میانگین و انحراف استاندارد برای متغیر خودپنداره تحصیلی در گروه عادی به ترتیب ۲۷/۲ و ۳/۹۹ و در دانشجویان استعداد درخشان ۳۴/۸۵ و ۳/۱۳ بود. همچنین میانگین و انحراف استاندارد برای خودپنداره اجتماعی در دانشجویان عادی ۲۸/۳۷ و ۲/۳۷ و در دانشجویان استعداد به ترتیب ۲۸/۲۸ و ۴/۹ بود. به منظور مقایسه خودپنداره تحصیلی و اجتماعی و همچنین اضطراب امتحان دانشجویان عادی و استعداد درخشان دانشگاه اصفهان از تحلیل واریانس چند متغیره (مانکوا) استفاده شد که نتایج در جدول ۲ گزارش شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس داده‌های مربوط به عملکرد دوگروه در خرده مقیاس سازگاری کل خودپنداره تحصیلی و اجتماعی و اضطراب

امتحان

منبع تغییرات	متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری	ضریب اتا	توان آماری
معدل	خودپنداره اجتماعی	۴/۴۲۸	۱	۴/۴۲۸	۰/۲۹۲	۰/۵۹	۰/۰۰۴	۰/۰۸
	خودپنداره تحصیلی	۱۲/۱۲۴	۱	۱۲/۱۲۴	۰/۹۲۴	۰/۳۴	۰/۰۱	۰/۱۵
	اضطراب امتحان	۲۶/۱۶۲	۱	۲۶/۱۶۲	۰/۴۳۷	۰/۵۱	۰/۰۰۷	۱
سن	خودپنداره اجتماعی	۲/۷۲۶	۱	۲/۷۲۶	۰/۱۸۰	۰/۶۷۳	۰/۰۰۳	۰/۰۷۰
	خودپنداره تحصیلی	۰/۳۸۶	۱	۰/۳۸۶	۰/۰۲۹	۰/۸۶۴	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۳
	اضطراب امتحان	۱۳۹/۶۲۸	۱	۱۳۹/۶۲۸	۲/۳۳۴	۰/۱۳۱	۰/۰۳۴	۰/۳۲۵
گروه	خودپنداره اجتماعی	۰/۰۰۷	۱	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰۱	۰/۹۸۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۵۰
	خودپنداره تحصیلی	۹۲۹/۹۷۳	۱	۹۲۹/۹۷۳	۷۰/۸۹۸	۰/۰۰۰۱	۰/۵۱۸	۱
	اضطراب امتحان	۱۱۷۵۱/۴۶۸	۱	۱۱۷۵۱/۴۶۸	۱۹۶/۴۶۸	۰/۰۰۰۱	۰/۷۴۹	۱

همچنان که نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد، با در نظر گرفتن سن و معدل به عنوان متغیر همپراش (کمکی)، تفاوت بین عملکرد دانشجویان عادی و دانشجویان استعداد درخشان در متغیر خودپنداره تحصیلی و اضطراب امتحان در سطح ۰/۰۰۰۱ معنی‌دار است. اما تفاوت دو گروه در متغیر خودپنداره اجتماعی ۰/۹۸ معنی‌دار نیست. به عبارت دیگر میانگین نمرات دانشجویان استعداد درخشان در متغیر خودپنداره تحصیلی از میانگین دانشجویان عادی بالاتر است به این معنی که دانشجویان استعداد درخشان نسبت به هم‌تایان عادی از خودپنداره تحصیلی بهتری برخوردارند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میانگین نمرات اضطراب امتحان دانشجویان استعداد درخشان در مقایسه با دانشجویان عادی پایین‌تر است که این نشانگر وضعیت بهتر دانشجویان استعداد در نمرات اضطراب امتحان است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر مقایسه اضطراب امتحان، خودپنداره تحصیلی و خودپنداره اجتماعی دانشجویان استعداد درخشان و عادی دانشگاه اصفهان بر اساس مدل BFLPE بود.

به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان داد که بین دو گروه از نظر اضطراب امتحان و خودپنداره تحصیلی و خودپنداره اجتماعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همانطور که ملاحظه گردید؛ یافته‌های مذکور نشان دادند که دانشجویان عادی دارای خودپنداره اجتماعی بالاتری بودند، درحالی‌که دانشجویان گروه استعداد درخشان که خود را با افراد دارای سطح توانایی متوسط مقایسه می‌کردند نسبت به گروه عادی از اضطراب امتحان کمتر و خودپنداره تحصیلی مثبتی برخوردار بودند.

نتایج این پژوهش تا حدودی مبین مدل BFLPE می‌باشد؛ بر اساس مدل BFLPE سطح عملکرد و ساختار محیط آموزشی می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر جنبه‌های مختلف فرد داشته باشد. در واقع هرگاه فردی با سطح عملکرد خاصی در محیط آموزشی که از نظر توانایی بالاتر یا پایین‌تر از توانایی اوست قرار بگیرد، خودپنداره متفاوتی را از خود نشان می‌دهد. تأثیر مدل BFLPE زمانی اتفاق می‌افتد که فرد با سطح توانایی مشخص خود را با افراد دارای توانایی بالاتر مقایسه می‌کنند و در نتیجه خودپنداره پایین‌تری را به‌دست می‌آورند؛ یا بر عکس، افرادی که با سطح توانایی مشخص وقتی که خودشان را با دانش‌آموزان با توانایی پایین‌تر مقایسه می‌کنند، در نتیجه خودپنداره بالاتری را به‌دست می‌آورند (مارش، ۱۹۸۷). در راستای نتایج فوق‌الذکر، لی^۱ (۱۹۸۸) در مطالعه‌ای نشان داد که در مقایسه با دانش‌آموزان عادی، کودکان تیزهوش خودشان را از نظر خود ادراکی تحصیلی و جهت‌گیری انگیزشی بالاتر ارزیابی نمودند. همچنین جروسلم (۱۹۸۴)، مارش و همکاران (۲۰۰۰) و زیدنر و اسکالر (۱۹۹۹) اظهار می‌دارند که دانش‌آموزان مدارس گزینشی در مقایسه با دانش‌آموزان مدارس غیر گزینشی موفقیت‌های تحصیلی بسیار پایین‌تری را دارا می‌باشند و گم‌کردن آنها در مدارس گزینشی بر خودپنداره تحصیلی دانش‌آموزان تأثیرات منفی داشته است. همچنین این یافته‌ها با نتایج پژوهشی مارش و همکاران (۲۰۰۴)، کنل و همکاران (۲۰۰۵)، یاندی و رین (۲۰۰۸)، جانکنم و همکاران (۲۰۱۲)، که بیانگر کارایی مدل BFLPE در تبیین برخی مؤلفه‌های روانشناختی از جمله خودپنداره و اضطراب امتحان می‌باشند، همسوست.

با توجه به مطالب بالا چنان انتظار می‌رفت که مقیاس خودپنداره اجتماعی در دانشجویان استعداد درخشان نمره بالاتری را به خود اختصاص داده باشد، ولی پژوهش حاضر عکس این مطلب را نشان داد و میانگین مقیاس خودپنداره اجتماعی در دانشجویان عادی بالاتر از دانشجویان استعداد درخشان شده است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که عوامل مختلفی از جمله فشارهای تحصیلی، رقابت‌های شدید، نگرش‌های منفی دانشجویان نسبت به بافت و ساختار دانشگاه می‌تواند در این امر تأثیرگذار باشد. از سوی دیگر دانشجویانی که وارد دانشگاه شده‌اند، ممکن است خود را با چارچوب مرجع وسیع‌تری مقایسه نمایند. همچنین امکان دارد این دسته از دانشجویان در ابتدای ورود به دانشگاه خودپنداره بالایی داشته، ولی پس از گذشت مدت زمانی شناخت کافی نسبت به موفقیت خود به‌دست آورده و خود پنداره‌شان را محدود به دانشجویان همکلاس خود نکنند، در نتیجه خودپنداره آنها پایین آمده و همسان با سایر همکلاسی‌های عادی شود.

به‌طور کلی می‌توان اینگونه اظهار داشت که هر دانش‌آموز، چارچوب مرجعی را جهت ارزیابی خود با دیگران در نظر می‌گیرد. تحقیقات نشان داده‌اند چارچوب مرجعی که دانش‌آموز برای خود از متوسط عملکرد مدرسه در نظر می‌گیرد، بر پیشرفت تحصیلی او تأثیر می‌گذارد. اما به‌نظر می‌رسد این چارچوب پس از تأثیرگذاری بر پیشرفت تحصیلی، خودپنداره یا دیگر جنبه‌ها را نیز در دانش‌آموزان تحت تأثیر قرار دهد. یعنی چارچوب مرجع یک تأثیر با واسطه بر خودپنداره یا دیگر مؤلفه‌های خود دارد؛ ابتدا عملکرد تحصیلی فرد تحت تأثیر چارچوب مرجع قرار می‌گیرد و این تأثیر به نوبه خود ادراک فرد را درباره خودش تحت تأثیر قرار می‌دهد (خیر و جوکار، ۱۳۸۱).

از طرف دیگر خودپنداره منفی و درک پایین افراد از شایستگی تحصیلی منجر به اضطراب امتحان می‌گردد. بر همین اساس خودپنداره مثبت در افراد با ایجاد افکار مثبت در آنها باعث ظهور هیجانات مثبت و دوری از هیجانات منفی چون اضطراب می‌شود (جینگ^۲، ۲۰۰۷).

در راستای یافته‌های این تحقیق پیشنهاد می‌گردد خودپنداره دانشجویان تیزهوش و استعداد درخشان را قبل از ورود به دانشگاه بررسی کنند و حداقل طی یک سال آنها را دنبال نمایند تا بهتر بتوان تغییرات احتمالی در خودپنداره آنها را اندازه‌گیری و تجزیه تحلیل نمود و با بینش وسیع‌تری در مورد مدل BFLPE قضاوت نمود. داده‌های بررسی حاضر تنها به کمک پرسشنامه گردآوری شده و از مصاحبه استفاده نشده است. در این پژوهش امکان کنترل برخی از متغیرها که به‌نحوی بر خودپنداره فرد تأثیر می‌گذارند (مانند روش‌های تربیتی والدین، طبقه اقتصادی-اجتماعی) فراهم نبوده است. همچنین پایین بودن حجم نمونه از دیگر محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. لذا پیشنهاد می‌شود در آینده این پژوهش در سطح ملی و با شیوه نمونه‌گیری تصادفی انجام شود.

^۱. Li

^۲. Jing

منابع

- ابوالقاسمی، عباس؛ اسدی‌مقدم، عزیزه؛ نجاریان، بهمن و شکرکن، حسین (۱۳۷۵). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش اضطراب امتحان در دانش‌آموزان پایه سوم دوره راهنمایی اهواز. *فصلنامه علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۳(۳)، ۶۱-۷۴.
- البرزی، شهلا؛ سامانی، سیامک (۱۳۷۸). مقایسه خودپنداری در میان دختران و پسران دانش‌آموز مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان شهر شیراز. *مجله علوم اجتماعی و انسانی شیراز*، ۱۴(۲۰)، ۲۰-۳.
- جلیلوند، محمد؛ و اژه‌ای، جواد (۱۳۷۴). ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش مراکز استعدادهای درخشان و نمکی، دبیرستان‌های خاص شهر تهران. *مجله استعدادهای درخشان*، ۳۰، ۱-۷.
- حق‌شناس، حسن؛ چمنی، امیررضا؛ و فیروزآبادی، علی (۱۳۸۵). مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و سلامت روان دانش‌آموزان دبیرستان‌های تیزهوشان و دبیرستان‌های عادی. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۸(۲۹ و ۳۰)، ۵۷-۶۶.
- خیر، محمد؛ و جوکار، بهرام (۱۳۸۱). مقایسه خودادراکی دانش‌آموزان عادی، تیزهوش مدارس تیزهوشان و دانش‌آموزان تیزهوش مدارس عادی. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، ۱۸(۲)، ۵۰-۶۱.
- کروثی، رستم‌علی (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین خودکارآمدی عمومی و سلامت روان در دانش‌آموزان پایه سوم مقطع متوسطه شهر بابل در سال تحصیلی ۸۱-۸۲. پایان‌نامه دکتری، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
- Chanal, J. P., Marsh, H. W., Sarrazin, P. G., & Bois, J. E. (۲۰۰۵). The big-fish–little-pond effect on gymnastics self-concept: Generalizability of social comparison effects to a physical setting. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, ۲۷, ۵۳-۷۰.
- Festinger, L. (۱۹۵۴). A theory of social comparison processes. *Human Relations*, ۷, ۱۱۷-۱۴۰.
- Jerusalem, M. (۱۹۸۴). Reference group, learning environment and self-evaluations: A dynamic multi-level analysis with latent variables. In R. Schwarzer (Ed.), *The self in anxiety, stress and depression* (pp. ۶۱-۷۳). New York: Elsevier North-Holland.
- Jing, H. (۲۰۰۷). Analysis on the relationship among test anxiety, self-concept and academic competency. *US-China Foreign Language*, ۵(۱), ۴۸-۵۱.
- Jonkmann, K., Becker, M., Marsh, H., Ludtke, O., & Trautwein, U. (۲۰۱۲). Personality traits moderate the Big-Fish–Little-Pond Effect of academic self-concept. *Learning and Individual Differences*, ۲۲, ۷۳۶-۷۴۶.
- Krampen, G. (۱۹۸۸). Competence and control orientation as predictors of test anxiety in students' longitudinal results. *Anxiety Research*, ۱, ۱۸۵-۱۹۷.
- Li, A.K.F. (۱۹۸۸). Self-Perception and Motivational Orientation in Gifted Children. *Roepers Review*, ۱۰(۳), ۱۷۵-۱۸۰.
- Ludtke, O., Koller, O., Marsh, H., & Trautwein, U. (۲۰۰۵). Teacher frame of reference and the big-fish–little-pond effect. *Contemporary Educational Psychology*, ۳۰, ۲۶۳-۲۸۵.
- Marsh, H. W. (۱۹۸۷). The big-fish–little-pond effect on academic self-concept. *Journal of Educational Psychology*, ۷۹(۳), ۲۸۰-۲۹۵.
- Marsh, H. W., Hau, K., & Craven, R. G. (۲۰۰۴). The big-fish–little-pond effect stands up to scrutiny. *American Psychologist*, ۵۹, ۲۶۸-۲۷۱.

- Marsh, H. W., Kong, C. K., & Hau, K. T. (2000). Longitudinal multilevel models of the big-fish–little-pond effect on academic self-concept: Counterbalancing contrast and reflected-glory effects in Hong Kong schools. *Journal of Personality & Social Psychology*, 78, 337–349.
- Marsh, H. W., Seaton, M., Trautwein U., Ludtke, O., Hau, K. T., O'Mara, A., & Craven, R. (2008). The Big-fish–little-pond-effect stands up to critical scrutiny: Implications for theory, methodology, and future research. *Educational Psychology Review*, 20, 319–350.
- Marsh, H. W., Trautwein, U., Ludtke, O., Baumert, J., & Koller, O. (2007a). Big fish little pond effect: persistent negative effects of selective high schools on self-concept after graduation. *American Educational Research Journal*, 44, 631–669.
- Marsh, H. W., Trautwein, U., Ludtke, O., Baumert, J., & Koller, O. (2007b). The big fish little pond effect: Persistent negative effects of selective high schools on self-concept after graduation. *American Educational Research Journal*, 44, 631–669.
- Mischo, C., & Rheinberg, F. (1995). Erziehungsziele von Lehrern und individuelle Bezugsnormen der Leistungsbewertung [Educational goals and teachers' preference of individual reference-norms in evaluating academic achievement]. *Zeitschrift für Pädagogische Psychologie*, 9, 139–151.
- Nagy, G., Garrett, J., Trautwein, U., Cortina, K. S., Baumert, J., Eccles, J. S., Watt, H. M. G., Eccles, J. S. (2008). Gendered high school course selection as a precursor of gendered careers: the mediating role of self-concept and intrinsic value. In H. G. Watt, & J. S. Eccles (Eds.), *Gender and occupational outcomes: Longitudinal assessments of individual, social, and cultural influences* (pp. 115-143).
- Yun Dai, D., & Rinn, A. (2008). The Big-Fish-Little-Pond Effect: What Do We Know and Where Do We Go from Here?. *Educational Psychology Review*, 20, 283–317.
- Zeidner, M., & Schleyer, J. (1998). The big-fish–little-pond effect for academic self-concept, test anxiety, and school grades in gifted children. *Contemporary Educational Psychology*, 23, 305–329.

Investigating the Big Fish in Little Pond (BFLPE) Model: Comparison of Test Anxiety, Academic Self-concept, and Social Self-concept in Gifted/Talented and Normal Students

Dr Amir Ghamarani

Assistant professor in psychology and education of children with special needs, Isfahan University

Dr Ahmad Yarmohammadian

Assistant professor in psychology and education of children with special needs, Isfahan University

Maryam Samadi

Ph.D student in psychology and education of children with special needs, Isfahan University

Abdol Hossein Shamsi

M.A. in psychology and education of children with special needs, Isfahan University

Maryam Ahmadzadeh

M.A. in psychology and education of children with special needs, Isfahan University

Abstract:

The aim of the present study is to investigate the performance of Big Fish in Little Pond (BFLPE) model through the comparison of test anxiety, academic self-concept, and social self-concept in gifted/talented and normal students. In order to achieve the above objective, 70 undergraduate students of Isfahan University were selected and assigned to talented and normal groups and the results of their test anxiety and academic and social self-concept questionnaires were compared. The findings showed that talented students had less test anxiety compared to the normal group, and positive academic self-concept and social self-concept of normal students was higher compared to the talented students. According to the results of this study, it seems that placing students with high ability levels in a common educational environment might increase positive evaluation of their social and academic self-concept. This indicates the BFLPE model and educational environment has significant effects on some psychological factors such as self-concept and test anxiety.

Key words: Big Fish in Little Pond (BFLPE) model, test anxiety, academic self-concept, social self-concept